

بسم الله الرحمن الرحيم
سبحانه و تعالیٰ

در میان پادشاهان عجم که در ملک ایران سطره گفته اند از استاده سطره که میراث کیست
اورا آدم علیه السلام و بعضی از فرزندان آدم و بعضی از فرزندان نوح علیه السلام می دانند
و حدیثی در این باب گردیده است که حضرت ادریس علیه السلام فرمود که میراث من و دین من
آدم بن ادریس است بن آدم بن نوح علیه السلام و بعضی گفته اند که میراث نوح از نوح و بعضی از فرزندان
پیغمبر علیه السلام است العلم عند الله و حکیم فردوس طبرستان علیه السلام در این باب فرموده اند
سخن بن خدیجه که گویند که میراث جدان کیست که بود از پادشاهان

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين
والصلاة والسلام على
سيدنا محمد وآله الطيبين
الطاهرين

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين
والصلاة والسلام على
سيدنا محمد وآله الطيبين
الطاهرين

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين
والصلاة والسلام على
سيدنا محمد وآله الطيبين
الطاهرين

اول احوال پادشاه که قیام از ظهور اسلام با بر کف انداخته و شمشیر بر خیزد و گفته
که منم

اول احوال پادشاه که قیام از ظهور اسلام با بر کف انداخته و شمشیر بر خیزد و گفته
که منم

اول احوال پادشاه که قیام از ظهور اسلام با بر کف انداخته و شمشیر بر خیزد و گفته
که منم

اول احوال پادشاه که قیام از ظهور اسلام با بر کف انداخته و شمشیر بر خیزد و گفته
که منم

اول احوال پادشاه که قیام از ظهور اسلام با بر کف انداخته و شمشیر بر خیزد و گفته
که منم

اول احوال پادشاه که قیام از ظهور اسلام با بر کف انداخته و شمشیر بر خیزد و گفته
که منم

اول احوال پادشاه که قیام از ظهور اسلام با بر کف انداخته و شمشیر بر خیزد و گفته
که منم

مجلس

این منوچهر مشهور بنودر شهر رزمی را که
نشست و زاده الله تو زین فریدون افروخت
با دوشی گفت کرده و همان ایشان مجتهد
عظیم بود و داده آخر اسیر در دست
مجلس

این منوچهر مشهور بنودر شهر رزمی را که
نشست و زاده الله تو زین فریدون افروخت
با دوشی گفت کرده و همان ایشان مجتهد
عظیم بود و داده آخر اسیر در دست
مجلس

مجلس

این منوچهر مشهور بنودر شهر رزمی را که
نشست و زاده الله تو زین فریدون افروخت
با دوشی گفت کرده و همان ایشان مجتهد
عظیم بود و داده آخر اسیر در دست
مجلس

مجلس

سنگ آلود نم که در سنگ ایران کشته
از حال احوال این که در سنگ ایران کشته
از حال احوال این که در سنگ ایران کشته

مجلس

این منوچهر مشهور بنودر شهر رزمی را که
نشست و زاده الله تو زین فریدون افروخت
با دوشی گفت کرده و همان ایشان مجتهد
عظیم بود و داده آخر اسیر در دست
مجلس

مجلس

این منوچهر مشهور بنودر شهر رزمی را که
نشست و زاده الله تو زین فریدون افروخت
با دوشی گفت کرده و همان ایشان مجتهد
عظیم بود و داده آخر اسیر در دست
مجلس

مجلس

این منوچهر مشهور بنودر شهر رزمی را که
نشست و زاده الله تو زین فریدون افروخت
با دوشی گفت کرده و همان ایشان مجتهد
عظیم بود و داده آخر اسیر در دست
مجلس

داود عالم را سخن که در تفتان خضر و آب طیب
اب حیوان رفته خضر و آب طیب است کام
بدست آورده و در کوزه نصیب شده

در کوزه نصیب شده
در کوزه نصیب شده
در کوزه نصیب شده
در کوزه نصیب شده
در کوزه نصیب شده
در کوزه نصیب شده
در کوزه نصیب شده
در کوزه نصیب شده
در کوزه نصیب شده
در کوزه نصیب شده

در کوزه نصیب شده
در کوزه نصیب شده
در کوزه نصیب شده
در کوزه نصیب شده
در کوزه نصیب شده
در کوزه نصیب شده
در کوزه نصیب شده
در کوزه نصیب شده
در کوزه نصیب شده
در کوزه نصیب شده

در کوزه نصیب شده

تسا کمال علم که در کوزه نصیب شده

در کوزه نصیب شده
در کوزه نصیب شده
در کوزه نصیب شده
در کوزه نصیب شده
در کوزه نصیب شده
در کوزه نصیب شده
در کوزه نصیب شده
در کوزه نصیب شده
در کوزه نصیب شده
در کوزه نصیب شده

در کوزه نصیب شده
در کوزه نصیب شده
در کوزه نصیب شده
در کوزه نصیب شده
در کوزه نصیب شده
در کوزه نصیب شده
در کوزه نصیب شده
در کوزه نصیب شده
در کوزه نصیب شده
در کوزه نصیب شده

در کوزه نصیب شده
در کوزه نصیب شده
در کوزه نصیب شده
در کوزه نصیب شده
در کوزه نصیب شده
در کوزه نصیب شده
در کوزه نصیب شده
در کوزه نصیب شده
در کوزه نصیب شده
در کوزه نصیب شده

در کوزه نصیب شده

در کوزه نصیب شده

سایه پاهای غم که در پیشانی برانگیزد
چو در درگاه آید که در پیشانی برانگیزد

۴ در درگاه پاهای غم که در پیشانی برانگیزد
و عین

ما بکفان میرا در شیر اسنان نام بود از شیر اسنان
این نغمه خج از شیر سجده بخون رسید بخت
ارجم ان رفته با کینتر از محبوبه ارجم ان رفته
مگر بخت و بفرست ارجم ان رفته
سجک از دستها از شیر بر مظهر شد و بفرست
ارجم ان سوخت و بفرست ارجم ان سوخت
و خورش را بجانم خور در آورد و خورش را
از اسبم سوار در شیر در یافت و از اسبم
لقبت آن زن ماسور که خج بود و از اسبم
نکته بهشته است بگویند خود را قطع در
صند و قه سر بهر کند و شسته بخورانه در بارگاه
و خجش خورده است در شیر را فرزند می نمود
روزی سر رسید در محلی خود چنانکه شسته
و زبیر احوال نکته بهشته است بگویند
خود و توله شیر عسفی که از شیر در اسبم
کرده و شاه پور خود و سجده بخت و آن برانگیزد

و عین

و عین

سید علی بن ابی طالب علیه السلام
در بیان فضیلت خود

از نسل وزینده و مفعول در میان بطالع گرمی
که دختر از زبان سبب بیرون آورده بود
خون که از شش هر مرتبه بجنب او میفتاد
خود در آخر بکشد که بخواهد مفعول
از زبان او در جوارستان

لیدر سبب
عبارت است
لیدر سبب

از نسل و در هر روز از نسل
از نسل و در هر روز از نسل
از نسل و در هر روز از نسل
از نسل و در هر روز از نسل
از نسل و در هر روز از نسل

از نسل و در هر روز از نسل
از نسل و در هر روز از نسل
از نسل و در هر روز از نسل
از نسل و در هر روز از نسل
از نسل و در هر روز از نسل

از نسل و در هر روز از نسل
از نسل و در هر روز از نسل
از نسل و در هر روز از نسل
از نسل و در هر روز از نسل
از نسل و در هر روز از نسل

سید علی بن ابی طالب علیه السلام
در بیان فضیلت خود

از نسل و در هر روز از نسل
از نسل و در هر روز از نسل
از نسل و در هر روز از نسل
از نسل و در هر روز از نسل
از نسل و در هر روز از نسل

از نسل و در هر روز از نسل
از نسل و در هر روز از نسل
از نسل و در هر روز از نسل
از نسل و در هر روز از نسل
از نسل و در هر روز از نسل

از نسل و در هر روز از نسل
از نسل و در هر روز از نسل
از نسل و در هر روز از نسل
از نسل و در هر روز از نسل
از نسل و در هر روز از نسل

از نسل و در هر روز از نسل
از نسل و در هر روز از نسل
از نسل و در هر روز از نسل
از نسل و در هر روز از نسل
از نسل و در هر روز از نسل

از نسل و در هر روز از نسل
از نسل و در هر روز از نسل
از نسل و در هر روز از نسل
از نسل و در هر روز از نسل
از نسل و در هر روز از نسل

این که این ملک را در آن روز که پادشاه شد
 پادشاه ازین من گنج و پادشاه ازین گنج
 باقی خزانده خفته که در آن وقت
 که در عهد سزیم مجرعه او قطع کرد و بدست
 سیت او نمودن این کار را بدین که در عهد
 و در عهد که در عهد که در عهد



این که این ملک را در آن روز که پادشاه شد
 پادشاه ازین من گنج و پادشاه ازین گنج
 باقی خزانده خفته که در آن وقت
 که در عهد سزیم مجرعه او قطع کرد و بدست
 سیت او نمودن این کار را بدین که در عهد
 و در عهد که در عهد که در عهد

در آن روز که پادشاه شد
 پادشاه ازین من گنج و پادشاه ازین گنج
 باقی خزانده خفته که در آن وقت
 که در عهد سزیم مجرعه او قطع کرد و بدست
 سیت او نمودن این کار را بدین که در عهد
 و در عهد که در عهد که در عهد

این که این ملک را در آن روز که پادشاه شد
 پادشاه ازین من گنج و پادشاه ازین گنج
 باقی خزانده خفته که در آن وقت
 که در عهد سزیم مجرعه او قطع کرد و بدست
 سیت او نمودن این کار را بدین که در عهد
 و در عهد که در عهد که در عهد

کتابخانه

کتابخانه

اسکندر شاکست خرد
که در پیش
فصل
در بیان
خداوند

هفتم
۵۵۲

از من ظهور کرد بر این که شد و شد
بجو بجهت و داد در آنکه او بجهت
سجده منویم شده و بنام تو خوان که داد و داد
از من در آنکه بجهت و داد و داد
بر طلب و سامان تو بجهت تو خوان که بجهت و داد
عنایت بخارا که بجهت تو خوان و
بجهت تو خوان که بجهت تو خوان و
در که بجهت تو خوان که بجهت تو خوان

عالم
اسکندر شاکست خرد
که در پیش
فصل
در بیان
خداوند

اسکندر شاکست خرد
که در پیش
فصل
در بیان
خداوند

از من ظهور کرد بر این که شد و شد
بجو بجهت و داد در آنکه او بجهت
سجده منویم شده و بنام تو خوان که داد و داد
از من در آنکه بجهت و داد و داد
بر طلب و سامان تو بجهت تو خوان که بجهت و داد
عنایت بخارا که بجهت تو خوان و
بجهت تو خوان که بجهت تو خوان و
در که بجهت تو خوان که بجهت تو خوان

از من ظهور کرد بر این که شد و شد
بجو بجهت و داد در آنکه او بجهت
سجده منویم شده و بنام تو خوان که داد و داد
از من در آنکه بجهت و داد و داد
بر طلب و سامان تو بجهت تو خوان که بجهت و داد
عنایت بخارا که بجهت تو خوان و
بجهت تو خوان که بجهت تو خوان و
در که بجهت تو خوان که بجهت تو خوان

عبداللہ
 دربار ابراہیم با قوت حکم انجا تزلزل
 لشکران در سر اکر نشد طلب میسر
 ناکامی ما رسید در عقب خانه طاعت
 نمودن بر سینه فرمود با عقیق جبار
 در عقب با حصه قندوق بر از زرد جوهر
 خطبه که جا بر میزد جان کز دگر کج
 با قوت او را شکستند گفت نامه
 رزده صندوق مال با قوت پیش
 عمار الدوله کجند به جوان با قوت راجه
 با لشکر گران آمدند چنانچه تاجند روز
 غفر و نهیمت ردی نمود عمار الدوله
 فخر و قوت داشت بخواب به که رباب
 فرزده باز که داشت سوار شده و آمد
 راه که داشت فرزده داشت و خطه دگر
 در ابقیر فرزند شده و از دند ضعیف
 فرزده سوار شده بایره راه داشت
 فرزده داشت ناکامی خبر رسید
 عرب کز کشته اموال ملایه
 لدر کشتن

در ستم

ع

سید کاظم

عبداللہ
 در بار ابراہیم با قوت حکم انجا تزلزل
 لشکران در سر اکر نشد طلب میسر
 ناکامی ما رسید در عقب خانه طاعت
 نمودن بر سینه فرمود با عقیق جبار
 در عقب با حصه قندوق بر از زرد جوهر
 خطبه که جا بر میزد جان کز دگر کج
 با قوت او را شکستند گفت نامه
 رزده صندوق مال با قوت پیش
 عمار الدوله کجند به جوان با قوت راجه
 با لشکر گران آمدند چنانچه تاجند روز
 غفر و نهیمت ردی نمود عمار الدوله
 فخر و قوت داشت بخواب به که رباب
 فرزده باز که داشت سوار شده و آمد
 راه که داشت فرزده داشت و خطه دگر
 در ابقیر فرزند شده و از دند ضعیف
 فرزده سوار شده بایره راه داشت
 فرزده داشت ناکامی خبر رسید
 عرب کز کشته اموال ملایه
 لدر کشتن

عبداللہ
 در بار ابراہیم با قوت حکم انجا تزلزل
 لشکران در سر اکر نشد طلب میسر
 ناکامی ما رسید در عقب خانه طاعت
 نمودن بر سینه فرمود با عقیق جبار
 در عقب با حصه قندوق بر از زرد جوهر
 خطبه که جا بر میزد جان کز دگر کج
 با قوت او را شکستند گفت نامه
 رزده صندوق مال با قوت پیش
 عمار الدوله کجند به جوان با قوت راجه
 با لشکر گران آمدند چنانچه تاجند روز
 غفر و نهیمت ردی نمود عمار الدوله
 فخر و قوت داشت بخواب به که رباب
 فرزده باز که داشت سوار شده و آمد
 راه که داشت فرزده داشت و خطه دگر
 در ابقیر فرزند شده و از دند ضعیف
 فرزده سوار شده بایره راه داشت
 فرزده داشت ناکامی خبر رسید
 عرب کز کشته اموال ملایه
 لدر کشتن

القام به الله خیر او صفت شکر در شکر
در که شکر شکر
لست
بسم الله الرحمن الرحیم
الحمد لله رب العالمین

الحمد لله رب العالمین
او در هر روز از نماز الله رب العالمین که بعد از هر نماز که در هر روز
در هر روز از هر که شکر شکر که در هر روز از هر که شکر شکر
و صلو که در هر روز از هر که شکر شکر که در هر روز از هر که شکر شکر
سب بر شکر که در هر روز از هر که شکر شکر که در هر روز از هر که شکر شکر

الحمد لله رب العالمین
که در هر روز از هر که شکر شکر که در هر روز از هر که شکر شکر
که در هر روز از هر که شکر شکر که در هر روز از هر که شکر شکر

الحمد لله رب العالمین

الحمد لله رب العالمین

الحمد لله رب العالمین

الحمد لله رب العالمین

الحمد لله رب العالمین

الحمد لله رب العالمین
او در هر روز از هر که شکر شکر که در هر روز از هر که شکر شکر
در هر روز از هر که شکر شکر که در هر روز از هر که شکر شکر
و صلو که در هر روز از هر که شکر شکر که در هر روز از هر که شکر شکر
سب بر شکر که در هر روز از هر که شکر شکر که در هر روز از هر که شکر شکر

الحمد لله رب العالمین

الحمد لله رب العالمین

لا بعد من ابی که در این شهر است
 در کتب خود که در این شهر است
 در کتب خود که در این شهر است
 در کتب خود که در این شهر است

لا بعد من ابی که در این شهر است
 در کتب خود که در این شهر است
 در کتب خود که در این شهر است
 در کتب خود که در این شهر است

لا بعد من ابی که در این شهر است
 در کتب خود که در این شهر است
 در کتب خود که در این شهر است
 در کتب خود که در این شهر است

سپاهیان علم
 در کتب خود که در این شهر است
 در کتب خود که در این شهر است

لا بعد من ابی که در این شهر است
 در کتب خود که در این شهر است
 در کتب خود که در این شهر است
 در کتب خود که در این شهر است

لا بعد من ابی که در این شهر است
 در کتب خود که در این شهر است
 در کتب خود که در این شهر است
 در کتب خود که در این شهر است

لا بعد من ابی که در این شهر است
 در کتب خود که در این شهر است
 در کتب خود که در این شهر است
 در کتب خود که در این شهر است

خواجہ شمس الدین عظیمی رچسٹر

سید الشهدا

142

١٤٢

در کشتن جنج حکومت ایران که در این زمان نیز مشغول که احوال هر یک معلوم که
حسب سال و حسب احوال و غیره نیز جنج در این مملکت مذکور در ایران است و در این مملکت
و خلافت خلف بر مروج است

که حقیقت را در او در این حکم
خلف را در خند او اند

[illegible]

مدرسه دارالعلوم دیوبند

[illegible][illegible]

[illegible][illegible][illegible]

لدر مختار
شیخ ابوالحسن علی بن محمد
مستوفی

حکام و
کتابخانه

[illegible]

فمنه ما هو خير من غيره
فمنه ما هو خير من غيره

در این خبریات مکتوبات که بر رسیده و در شهر مکتوبات که در شهر مکتوبات
 در شهر مکتوبات که در شهر مکتوبات در شهر مکتوبات که در شهر مکتوبات
 در شهر مکتوبات که در شهر مکتوبات در شهر مکتوبات که در شهر مکتوبات

مکتوبات که در شهر مکتوبات در شهر مکتوبات که در شهر مکتوبات
 مکتوبات که در شهر مکتوبات در شهر مکتوبات که در شهر مکتوبات
 مکتوبات که در شهر مکتوبات در شهر مکتوبات که در شهر مکتوبات

مکتوبات

مکتوبات

مکتوبات که در شهر مکتوبات در شهر مکتوبات که در شهر مکتوبات
 مکتوبات که در شهر مکتوبات در شهر مکتوبات که در شهر مکتوبات

مکتوبات که در شهر مکتوبات در شهر مکتوبات که در شهر مکتوبات
 مکتوبات که در شهر مکتوبات در شهر مکتوبات که در شهر مکتوبات
 مکتوبات که در شهر مکتوبات در شهر مکتوبات که در شهر مکتوبات

مکتوبات که در شهر مکتوبات در شهر مکتوبات که در شهر مکتوبات
 مکتوبات که در شهر مکتوبات در شهر مکتوبات که در شهر مکتوبات

کمی تو خست
 ریش افغان که در برادر پادشاه شده وزارت کجاست
 سینه خسته صدر الدین احمد که در داد و در دهم
 ساق غیر پادشاه وزیر کرم جهان و جهان کرم
 موفقه کنی زخان مهر طوقان قنن یکسوی او
 نقصان احمد که در وقت بخیر بر غزل خان
 کشیده بکشت باید و نشان من طرف پس اها
 کوفت خورج کف اشد و ارکان جری کجاست
 جبهه از راه کرات و با شرت مار و بوق
 طرف باید و گرفتار قوت کشت کبی افکار
 حرکت و بیگان رفت اسیر و کجاست
 گرفتار شده و لغو مان باید بکشد
 لعلش

که مرگوش که باید و در طرف غزان خان
 جبهه خبر باید و رسیده جبهه حرکت غزان
 در عقب سینه دور حرکت در عقب سینه
 لعلش

لعلش

شماره

عبدالله رستم خرد گور
 سرور در آن سینه
 از سده الحاح

غزان

غزان
 این غزان خان که در غزاده پیر در دهم
 بر پادشاه شرت و مهر زنده را نیز شمع کوه
 در تقویت این سینه کوشیده تخیل و طیب
 خلوت کوه دهنه منول منین شمع
 جبهه کجاست از سنان رفته در سینه
 کوه اربابان کشته شده و بعد این در وزارت
 جبهه و سینه که داد و در جبهه کشته در وزارت
 بخور احمد صدر الدین خاله مراد غرق من جبهه
 شده که در رفته در جبهه کشته در وزارت
 و جبهه صدر الدین در آید از کس غرق مال
 سوره سوره متعادل کوه پادشاه و در این جبهه
 من مصطفی و مهر کوه مردم در این
 و راهها و جبهه کشته و در این جبهه
 سینه خسته صدر الدین که در جبهه کشته
 در وزارت بخور احمد کشته داد و غزان خان
 شوال سینه کوه کوه قزوین در کشته دور
 در زیر عمارات که کشته کوه کوه کوه

اولی بنو خست
 خدائنده محمد بن رستم خان جبهه در غزان
 خبر فوت برادر شسته در جبهه در دهم
 حرکت ششت جبهه شسته و جبهه کوه کوه
 چهار شسته با روسته جبهه در غزان متوالی
 در دهم سینه سینه سلطان غزنی جملان
 کوه کوه و شسته سینه در اندک زمانه کشته
 در سینه خسته صدر الدین متوالی شسته
 جبهه این جبهه صدر الدین سرور جبهه شسته
 و جبهه شسته با الدین شسته کوه در سینه
 و جبهه سینه سینه الدین را که سینه شسته
 با سینه شسته و جبهه صدر الدین شسته
 بدین سبب سینه شسته و وزارت جبهه
 نیز بر دادند شسته که از سینه در سینه
 شسته کوه کوه و در سینه شسته
 اولی بنو سلطان در سینه شسته کوه در دهم
 که سینه کوه و شسته سینه جبهه کوه کوه
 لعلش

دارالحکومت پشاور میں ازاد پریس کو
انکشاف دینا
اور ان کے
میں سے
میں سے
میں سے

[illegible][illegible]

م

موتنامہ

۲۸
۳۰ روز و ۳۱ سال
۳۱ سال و ۳۱ سال

[illegible]

پیشانی و سر و گردن و

جهان

دشمنان او را در کربلا کشته و سرش را بر سر شمشیر
نشان دادند و سرش را بر سر شمشیر نشان دادند
سیدالشهدا را که در آنجا کشته شد و سرش را بر سر شمشیر
نشان دادند

مسموم

سید الشهدا

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين
والصلاة والسلام على سيدنا محمد
وآله الطيبين الطاهرين

دشمنان او را

دشمنان او را در کربلا کشته و سرش را بر سر شمشیر
نشان دادند و سرش را بر سر شمشیر نشان دادند
سیدالشهدا را که در آنجا کشته شد و سرش را بر سر شمشیر
نشان دادند

لعلش

لعلش

سید الشهدا را که در آنجا کشته شد و سرش را بر سر شمشیر
نشان دادند

مسموم

مسموم

در سال ۱۰۶۰
 در روز ۱۰ جمادی الثانی
 در شهر تبریز
 در وقت عصر
 در حضور
 در مقام
 در منزل

عازم است لایحه میرزا سلطان محمد از خراسان عازم حرم
 شده و بعد در استراحت خلقی فرقیان دست امیر را
 سلطان محمد امیر کشته شد و در استراحت امیر از خدمت
 لشکر فراموش آورد و راه سلطه داشت
 لشکران بایر را در استراحت داده و فرار برقرار است
 منته و در ۱۰۹۹ مملکت ستم و مازندران فتح
 و در شعبان ۱۰۶۰ عازم مشهد مقدس شد
 و در مشهد مقدس در روز ۱۰ زولیده منته را
 جنم نظر میرزا افشاره حتمیها چهر خواندن
 گرفت که یک شب آن منته
 بنهم طواقم کج کون شتمینت پیش امیر جنون
 میرزا آن را بفعل دشت در ۱۰۳۳ م
 عازم ایک زار و کمان شد تا قحشق
 خا صر میرزا در پنج شهر اول ۱۰۶۰
 حساب ستم را در ده کرد
 که در ملک

در سال ۱۰۶۰
 در روز ۱۰ جمادی الثانی
 در شهر تبریز
 در وقت عصر
 در حضور
 در مقام
 در منزل

۱۰۶۰
 در سال ۱۰۶۰
 در روز ۱۰ جمادی الثانی
 در شهر تبریز
 در وقت عصر
 در حضور
 در مقام
 در منزل

شاه محمد میرزا سلطان امیر اسم و میرزا ابوسعید و میرزا جهان که هر یک در سال حکومت بزرگوار
 را آن مملکت استیلای فیه لواء حشمت و رفعت و بدینجهت لایحه سلطه این منته

شاه محمد و میرزا سلطان امیر اسم
 شاه محمد و میرزا سلطان امیر اسم در سال ۱۰۶۰
 در روز ۱۰ جمادی الثانی
 در شهر تبریز
 در وقت عصر
 در حضور
 در مقام
 در منزل

جانشین پادشاه خلق شایسته
هرگز نشد و با بزرگواران کعبه و کربلا
عقل الدوله از دست قیاف برات آید
در کن راسخا بگریه و گریه استقامت
منصف بر دلیله بگریه و گریه استقامت
عقل الدوله چند روز در برات بگریه و گریه
سخت و کوشش بر بگریه و گریه استقامت
منصف بر دلیله بگریه و گریه استقامت

منصف بر دلیله بگریه و گریه استقامت
عقل الدوله از دست قیاف برات آید
در کن راسخا بگریه و گریه استقامت
منصف بر دلیله بگریه و گریه استقامت
عقل الدوله چند روز در برات بگریه و گریه
سخت و کوشش بر بگریه و گریه استقامت

تاج پادشاه
۱۴۱

جانشین پادشاه
هرگز نشد و با بزرگواران کعبه و کربلا
عقل الدوله از دست قیاف برات آید
در کن راسخا بگریه و گریه استقامت
منصف بر دلیله بگریه و گریه استقامت
عقل الدوله چند روز در برات بگریه و گریه
سخت و کوشش بر بگریه و گریه استقامت

جانشین پادشاه در روز شنبه
با بزرگواران کعبه و کربلا
عقل الدوله از دست قیاف برات آید
در کن راسخا بگریه و گریه استقامت
منصف بر دلیله بگریه و گریه استقامت
عقل الدوله چند روز در برات بگریه و گریه
سخت و کوشش بر بگریه و گریه استقامت

کشته در این دنیا خیر میرزا جهان به رسیده میرزا ابوسعید عظیم در اینجا نشسته
 و در او این جهان ساخته اکثر مالک علف بخت تصرف در آورد و امیر حسن
 بعد از قتل میرزا جهان به اینچنین کشت میرزا ابوسعید و شاه در کابل و سید
 حلف شاه میرزا جهان به اینچنین کشت او را نه نجات و حریف سید نیمه و لدان
 میرزا جهان به با اینچنین کشت با هر کس می توانی با هر کس میرزا ابوسعید نشسته در این جهان
 از خط طبعی که در این کشت در قتل ابوسعید قول ننموده باقی
 روان نشسته و از راه شیروان داشت شیروان شاه که دم از خون شیر و از راه
 عصبان در آمدن لشکر میرزا ابوسعید متفرق شد حسن یک فرصت یافته در
 در دین رسیده او را دستگیر و در شهر جرجان حبس کرد ۹۷۳ قمری

قتل میرزا ابوسعید

السعایر
 السعایر
 السعایر

السعایر
 السعایر
 السعایر

السعایر
 السعایر

و در شب ششم شهر راول است که طومر جمع منج خوش باقی ضرر
 خدایه انا لله وانا الیه راجعون
 لمرسته

و در شب ششم شهر راول است که طومر جمع منج خوش باقی ضرر
 خدایه انا لله وانا الیه راجعون
 لمرسته

بسم

بسم
 در روز ششم شهر راول است که طومر جمع منج خوش باقی ضرر
 خدایه انا لله وانا الیه راجعون
 لمرسته

بسم
 در روز ششم شهر راول است که طومر جمع منج خوش باقی ضرر
 خدایه انا لله وانا الیه راجعون
 لمرسته

که پیشتر فرزند قوی تر از ۱۰۰ ساله مریدان صفهان و هزاره ماسقول کول شده و خندان
شیخانده با فرزند ان و ولد ان حسن خان حاکم سابق مهاباد و یوسف خان و جلال خان و قزوین
آقبر سینه خفیه سلطان از وزارت مغول و میرزا ابوطالب بنده وزارت مرافزار شد
و میرزا اسبج صد مغول شده میرزا حبیب الله صوبه صدر ازین قریه و قراقران محلی
شیروان عزل شده فرخ خان بجای او نصب شد و بی بی خانم و ابوالحسن بنده و غرض
مخففه ملحق بخونه کار شده در ستم خان بر سران رفته بنیاد طلب گشت و در جمیع ستمه بر
ابوطالب اعتماد الدوله و مغول و خان حسن بی بی اول صحبت آقبر سینه وزارت عظم
میرزا محمد تقی مفتی شده و سلطان باغیر نوزاده شاه سلیم از ستم کوفه فرزند عظمه در دار السلطه صفهان
شرف و طوبی در وقت شیخ فخر الدین ۱۲۰۰ سلطه ملحق خوانده کار و دم بر سر اردوان کرده که
و ستم حاکم رجا قلمه مذکور که آقبر عظمه در لایم محلی اما مقفی خان ایشیک آقا ستم
و فرخ خان حاکم شیروان آقبر سینه و میرزا سده ماه ستم مفتوح شده ولایت آن
بکلیه بی خان مفتوح شده و مرشد

[illegible]

10

Handwritten musical notation on staves, with Arabic script text interspersed. The notation includes various symbols and characters, possibly representing musical notes or intervals. The text is written in a cursive style, and the musical notation consists of horizontal lines with various symbols and characters placed above and below them.

از قدرها و لوازم

١٠
 ١١
 ١٢
 ١٣
 ١٤
 ١٥
 ١٦
 ١٧
 ١٨
 ١٩
 ٢٠
 ٢١
 ٢٢
 ٢٣
 ٢٤
 ٢٥
 ٢٦
 ٢٧
 ٢٨
 ٢٩
 ٣٠
 ٣١
 ٣٢
 ٣٣
 ٣٤
 ٣٥
 ٣٦
 ٣٧
 ٣٨
 ٣٩
 ٤٠
 ٤١
 ٤٢
 ٤٣
 ٤٤
 ٤٥
 ٤٦
 ٤٧
 ٤٨
 ٤٩
 ٥٠
 ٥١
 ٥٢
 ٥٣
 ٥٤
 ٥٥
 ٥٦
 ٥٧
 ٥٨
 ٥٩
 ٦٠
 ٦١
 ٦٢
 ٦٣
 ٦٤
 ٦٥
 ٦٦
 ٦٧
 ٦٨
 ٦٩
 ٧٠
 ٧١
 ٧٢
 ٧٣
 ٧٤
 ٧٥
 ٧٦
 ٧٧
 ٧٨
 ٧٩
 ٨٠
 ٨١
 ٨٢
 ٨٣
 ٨٤
 ٨٥
 ٨٦
 ٨٧
 ٨٨
 ٨٩
 ٩٠
 ٩١
 ٩٢
 ٩٣
 ٩٤
 ٩٥
 ٩٦
 ٩٧
 ٩٨
 ٩٩
 ١٠٠

Handwritten notes in Urdu script, including the word "کمال" (Kamal) and other illegible text.

Handwritten signature

عن رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم
من كان له دين فليؤدبه
من كان له دين فليؤدبه
من كان له دين فليؤدبه

معارف و کرامات

Handwritten text in Arabic script, likely a manuscript page. The text is arranged in several lines, with some words written vertically. The script is cursive and includes various diacritical marks. The page is numbered '١٠' (10) in the top right corner.

سفر حضرت شاه ۱۰۶
۹۹۲
از راه سرحد لکهنوت به
راستة سمنان و از آنجا که در راه
است به راسته سمنان و از آنجا که در راه
است به راسته سمنان و از آنجا که در راه

مسلم احمد بن حنبل رحمه الله تعالى

۱۰۰
 ۱۰۱
 ۱۰۲
 ۱۰۳
 ۱۰۴
 ۱۰۵
 ۱۰۶
 ۱۰۷
 ۱۰۸
 ۱۰۹
 ۱۱۰
 ۱۱۱
 ۱۱۲
 ۱۱۳
 ۱۱۴
 ۱۱۵
 ۱۱۶
 ۱۱۷
 ۱۱۸
 ۱۱۹
 ۱۲۰
 ۱۲۱
 ۱۲۲
 ۱۲۳
 ۱۲۴
 ۱۲۵
 ۱۲۶
 ۱۲۷
 ۱۲۸
 ۱۲۹
 ۱۳۰
 ۱۳۱
 ۱۳۲
 ۱۳۳
 ۱۳۴
 ۱۳۵
 ۱۳۶
 ۱۳۷
 ۱۳۸
 ۱۳۹
 ۱۴۰
 ۱۴۱
 ۱۴۲
 ۱۴۳
 ۱۴۴
 ۱۴۵
 ۱۴۶
 ۱۴۷
 ۱۴۸
 ۱۴۹
 ۱۵۰
 ۱۵۱
 ۱۵۲
 ۱۵۳
 ۱۵۴
 ۱۵۵
 ۱۵۶
 ۱۵۷
 ۱۵۸
 ۱۵۹
 ۱۶۰
 ۱۶۱
 ۱۶۲
 ۱۶۳
 ۱۶۴
 ۱۶۵
 ۱۶۶
 ۱۶۷
 ۱۶۸
 ۱۶۹
 ۱۷۰
 ۱۷۱
 ۱۷۲
 ۱۷۳
 ۱۷۴
 ۱۷۵
 ۱۷۶
 ۱۷۷
 ۱۷۸
 ۱۷۹
 ۱۸۰
 ۱۸۱
 ۱۸۲
 ۱۸۳
 ۱۸۴
 ۱۸۵
 ۱۸۶
 ۱۸۷
 ۱۸۸
 ۱۸۹
 ۱۹۰
 ۱۹۱
 ۱۹۲
 ۱۹۳
 ۱۹۴
 ۱۹۵
 ۱۹۶
 ۱۹۷
 ۱۹۸
 ۱۹۹
 ۲۰۰

۱۴۰۰
 ۱۴۰۱
 ۱۴۰۲
 ۱۴۰۳
 ۱۴۰۴
 ۱۴۰۵
 ۱۴۰۶
 ۱۴۰۷
 ۱۴۰۸
 ۱۴۰۹
 ۱۴۱۰
 ۱۴۱۱
 ۱۴۱۲
 ۱۴۱۳
 ۱۴۱۴
 ۱۴۱۵
 ۱۴۱۶
 ۱۴۱۷
 ۱۴۱۸
 ۱۴۱۹
 ۱۴۲۰
 ۱۴۲۱
 ۱۴۲۲
 ۱۴۲۳
 ۱۴۲۴
 ۱۴۲۵
 ۱۴۲۶
 ۱۴۲۷
 ۱۴۲۸
 ۱۴۲۹
 ۱۴۳۰
 ۱۴۳۱
 ۱۴۳۲
 ۱۴۳۳
 ۱۴۳۴
 ۱۴۳۵
 ۱۴۳۶
 ۱۴۳۷
 ۱۴۳۸
 ۱۴۳۹
 ۱۴۴۰
 ۱۴۴۱
 ۱۴۴۲
 ۱۴۴۳
 ۱۴۴۴
 ۱۴۴۵
 ۱۴۴۶
 ۱۴۴۷
 ۱۴۴۸
 ۱۴۴۹
 ۱۴۵۰
 ۱۴۵۱
 ۱۴۵۲
 ۱۴۵۳
 ۱۴۵۴
 ۱۴۵۵
 ۱۴۵۶
 ۱۴۵۷
 ۱۴۵۸
 ۱۴۵۹
 ۱۴۶۰
 ۱۴۶۱
 ۱۴۶۲
 ۱۴۶۳
 ۱۴۶۴
 ۱۴۶۵
 ۱۴۶۶
 ۱۴۶۷
 ۱۴۶۸
 ۱۴۶۹
 ۱۴۷۰
 ۱۴۷۱
 ۱۴۷۲
 ۱۴۷۳
 ۱۴۷۴
 ۱۴۷۵
 ۱۴۷۶
 ۱۴۷۷
 ۱۴۷۸
 ۱۴۷۹
 ۱۴۸۰
 ۱۴۸۱
 ۱۴۸۲
 ۱۴۸۳
 ۱۴۸۴
 ۱۴۸۵
 ۱۴۸۶
 ۱۴۸۷
 ۱۴۸۸
 ۱۴۸۹
 ۱۴۹۰
 ۱۴۹۱
 ۱۴۹۲
 ۱۴۹۳
 ۱۴۹۴
 ۱۴۹۵
 ۱۴۹۶
 ۱۴۹۷
 ۱۴۹۸
 ۱۴۹۹
 ۱۵۰۰

۱۰۱
 ۱۰۲
 ۱۰۳
 ۱۰۴
 ۱۰۵
 ۱۰۶
 ۱۰۷
 ۱۰۸
 ۱۰۹
 ۱۱۰
 ۱۱۱
 ۱۱۲
 ۱۱۳
 ۱۱۴
 ۱۱۵
 ۱۱۶
 ۱۱۷
 ۱۱۸
 ۱۱۹
 ۱۲۰
 ۱۲۱
 ۱۲۲
 ۱۲۳
 ۱۲۴
 ۱۲۵
 ۱۲۶
 ۱۲۷
 ۱۲۸
 ۱۲۹
 ۱۳۰
 ۱۳۱
 ۱۳۲
 ۱۳۳
 ۱۳۴
 ۱۳۵
 ۱۳۶
 ۱۳۷
 ۱۳۸
 ۱۳۹
 ۱۴۰
 ۱۴۱
 ۱۴۲
 ۱۴۳
 ۱۴۴
 ۱۴۵
 ۱۴۶
 ۱۴۷
 ۱۴۸
 ۱۴۹
 ۱۵۰
 ۱۵۱
 ۱۵۲
 ۱۵۳
 ۱۵۴
 ۱۵۵
 ۱۵۶
 ۱۵۷
 ۱۵۸
 ۱۵۹
 ۱۶۰
 ۱۶۱
 ۱۶۲
 ۱۶۳
 ۱۶۴
 ۱۶۵
 ۱۶۶
 ۱۶۷
 ۱۶۸
 ۱۶۹
 ۱۷۰
 ۱۷۱
 ۱۷۲
 ۱۷۳
 ۱۷۴
 ۱۷۵
 ۱۷۶
 ۱۷۷
 ۱۷۸
 ۱۷۹
 ۱۸۰
 ۱۸۱
 ۱۸۲
 ۱۸۳
 ۱۸۴
 ۱۸۵
 ۱۸۶
 ۱۸۷
 ۱۸۸
 ۱۸۹
 ۱۹۰
 ۱۹۱
 ۱۹۲
 ۱۹۳
 ۱۹۴
 ۱۹۵
 ۱۹۶
 ۱۹۷
 ۱۹۸
 ۱۹۹
 ۲۰۰
 ۲۰۱
 ۲۰۲
 ۲۰۳
 ۲۰۴
 ۲۰۵
 ۲۰۶
 ۲۰۷
 ۲۰۸
 ۲۰۹
 ۲۱۰
 ۲۱۱
 ۲۱۲
 ۲۱۳
 ۲۱۴
 ۲۱۵
 ۲۱۶
 ۲۱۷
 ۲۱۸
 ۲۱۹
 ۲۲۰
 ۲۲۱
 ۲۲۲
 ۲۲۳
 ۲۲۴
 ۲۲۵
 ۲۲۶
 ۲۲۷
 ۲۲۸
 ۲۲۹
 ۲۳۰
 ۲۳۱
 ۲۳۲
 ۲۳۳
 ۲۳۴
 ۲۳۵
 ۲۳۶
 ۲۳۷
 ۲۳۸
 ۲۳۹
 ۲۴۰
 ۲۴۱
 ۲۴۲
 ۲۴۳
 ۲۴۴
 ۲۴۵
 ۲۴۶
 ۲۴۷
 ۲۴۸
 ۲۴۹
 ۲۵۰
 ۲۵۱
 ۲۵۲
 ۲۵۳
 ۲۵۴
 ۲۵۵
 ۲۵۶
 ۲۵۷
 ۲۵۸
 ۲۵۹
 ۲۶۰
 ۲۶۱
 ۲۶۲
 ۲۶۳
 ۲۶۴
 ۲۶۵
 ۲۶۶
 ۲۶۷
 ۲۶۸
 ۲۶۹
 ۲۷۰
 ۲۷۱
 ۲۷۲
 ۲۷۳
 ۲۷۴
 ۲۷۵
 ۲۷۶
 ۲۷۷
 ۲۷۸
 ۲۷۹
 ۲۸۰
 ۲۸۱
 ۲۸۲
 ۲۸۳
 ۲۸۴
 ۲۸۵
 ۲۸۶
 ۲۸۷
 ۲۸۸
 ۲۸۹
 ۲۹۰
 ۲۹۱
 ۲۹۲
 ۲۹۳
 ۲۹۴
 ۲۹۵
 ۲۹۶
 ۲۹۷
 ۲۹۸
 ۲۹۹
 ۳۰۰
 ۳۰۱
 ۳۰۲
 ۳۰۳
 ۳۰۴
 ۳۰۵
 ۳۰۶
 ۳۰۷
 ۳۰۸
 ۳۰۹
 ۳۱۰
 ۳۱۱
 ۳۱۲
 ۳۱۳
 ۳۱۴
 ۳۱۵
 ۳۱۶
 ۳۱۷
 ۳۱۸
 ۳۱۹
 ۳۲۰
 ۳۲۱
 ۳۲۲
 ۳۲۳
 ۳۲۴
 ۳۲۵
 ۳۲۶
 ۳۲۷
 ۳۲۸
 ۳۲۹
 ۳۳۰
 ۳۳۱
 ۳۳۲
 ۳۳۳
 ۳۳۴
 ۳۳۵
 ۳۳۶
 ۳۳۷
 ۳۳۸
 ۳۳۹
 ۳۴۰
 ۳۴۱
 ۳۴۲
 ۳۴۳
 ۳۴۴
 ۳۴۵
 ۳۴۶
 ۳۴۷
 ۳۴۸
 ۳۴۹
 ۳۵۰
 ۳۵۱
 ۳۵۲
 ۳۵۳
 ۳۵۴
 ۳۵۵
 ۳۵۶
 ۳۵۷
 ۳۵۸
 ۳۵۹
 ۳۶۰
 ۳۶۱
 ۳۶۲
 ۳۶۳
 ۳۶۴
 ۳۶۵
 ۳۶۶
 ۳۶۷
 ۳۶۸
 ۳۶۹
 ۳۷۰
 ۳۷۱
 ۳۷۲
 ۳۷۳
 ۳۷۴
 ۳۷۵
 ۳۷۶
 ۳۷۷
 ۳۷۸
 ۳۷۹
 ۳۸۰
 ۳۸۱
 ۳۸۲
 ۳۸۳
 ۳۸۴
 ۳۸۵
 ۳۸۶
 ۳۸۷
 ۳۸۸
 ۳۸۹
 ۳۹۰
 ۳۹۱
 ۳۹۲
 ۳۹۳
 ۳۹۴
 ۳۹۵
 ۳۹۶
 ۳۹۷
 ۳۹۸
 ۳۹۹
 ۴۰۰
 ۴۰۱
 ۴۰۲
 ۴۰۳
 ۴۰۴
 ۴۰۵
 ۴۰۶
 ۴۰۷
 ۴۰۸
 ۴۰۹
 ۴۱۰
 ۴۱۱
 ۴۱۲
 ۴۱۳
 ۴۱۴
 ۴۱۵
 ۴۱۶
 ۴۱۷
 ۴۱۸
 ۴۱۹
 ۴۲۰
 ۴۲۱
 ۴۲۲
 ۴۲۳
 ۴۲۴
 ۴۲۵
 ۴۲۶
 ۴۲۷
 ۴۲۸
 ۴۲۹
 ۴۳۰
 ۴۳۱
 ۴۳۲
 ۴۳۳
 ۴۳۴
 ۴۳۵
 ۴۳۶
 ۴۳۷
 ۴۳۸
 ۴۳۹
 ۴۴۰
 ۴۴۱
 ۴۴۲
 ۴۴۳
 ۴۴۴
 ۴۴۵
 ۴۴۶
 ۴۴۷
 ۴۴۸
 ۴۴۹
 ۴۵۰
 ۴۵۱
 ۴۵۲
 ۴۵۳
 ۴۵۴
 ۴۵۵
 ۴۵۶
 ۴۵۷
 ۴۵۸
 ۴۵۹
 ۴۶۰
 ۴۶۱
 ۴۶۲
 ۴۶۳
 ۴۶۴
 ۴۶۵
 ۴۶۶
 ۴۶۷
 ۴۶۸
 ۴۶۹
 ۴۷۰
 ۴۷۱
 ۴۷۲

(Handwritten Persian text)

فصل

حیات

سار احوال صفر بحال فرید.

۱۰. احوال مقامی کے لئے ایک ایسا ایجنڈا تیار کیا جائے جس سے

مورخ

تاسیس و طرح و تدوین و تدوین

نہ میں اس کو اس

نہ نہیں اب کدھر

عن

نہ از سر حبیب

1896

کتاب فیض در مسائل فقهی

۸۱

فصل في بيان

ماده ۱۰۰

65

— ۷۷ —

تتمت بحمد الله تعالى في شهر ربيع الأول سنة ١٢٨٢

اسماء

۱۰۰
بسم الله الرحمن الرحيم

1. *Phragmites* (Common Reed)

۱۱۹

۹

1. 100

عالمی کتب خانہ

روایت جلیل

عمر

۱۱۱

ف

2.

16

مجلس ۱۰۰

٢٢

بسم الله الرحمن الرحيم

مجلس

1894

محکم دلائل سے مزین متنوع و منفرد موضوعات پر مشتمل مفت آن لائن مکتبہ

عمر بن عبد الرحمن بن عمر بن الخطاب
بن ابي طالب

امام

سید عالم و امام احمد رضا

1000

در باب نهم

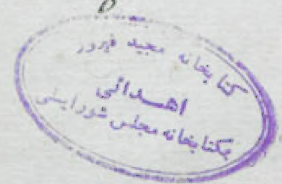
در خط میانه کلمه اول
الکلمه اول
مبتدأ
در خط میانه کلمه اول
الکلمه اول
مبتدأ

[illegible]

۱۴۶

۷۳

از این کتاب
در کتابخانه
مجلس شورای
است



[illegible]

